

## بورژوازی با حکومت استبدادی چانه می زند، حکومت استبدادی با بورژوازی

تقریباً هر روز مدارک جدیدی از این «چانه زنی» که ما برای مدت طولانی توجه پرولتاریای روسی را بدان جلب می کردیم، می رسد. این تلگراف جالبی از م. لروکس، مورخ ۲ ژوئیه (تقویم جدید) از سن پترزبورگ است: یک میتینگ نمایندگان شهری و زمستوو که در ۲۸ و ۲۹ (۱۵ و ۱۶ به تقویم قدیم) ژوئن برگزار شد، یکبار دیگر (برای صدمین بار!) مطالبات مشروطه خواهانه را تنظیم کرد و آنها را برای وزرا تلگراف نمود. مطالبات بالاتر از معمول هستند: نمایندگی از طرف مردم یک شرط مطلق شده است، و باید در **قانون اساسی** جا داده شود؛ قانون اساسی «بولیگین» یکجا رد شده است؛ مطالبه برای اعلام بی درنگ واجب الاحترام بودن شخص، آزادی بیان، و غیره، به پیش گذاشته شده است. گفته می شود که کنفرانس به اتفاق آراء مطالبه برای حق رأی عمومی را قبول کرده (اما در **عریضه نیاورده** - در چانه زنی فرد نباید تمام کارتهایش را رو کند!).

خبرنگار روزنامه بورژوایی چطور درباره این افزایش مهم مطالبات زمینداران و کارخانه داران قضاوت می کند؟ البته قضاوت او بسیار هوشیارانه است: او می نویسد «**آشکار است که نمایندگان بیشتر طلب می کنند تا حداقل اندکی به دست آورند. ولی همچنین مشخص است که این چیز اندک، برای اینکه برایشان قابل قبول باشد، باید بین آن چیزی که آنها مطالبه می کنند و آن چیزی که بولیگین به آنها ارائه می دهد، قرار بگیرد.**» یک بازار واقعی که در آن بورژوازی حقوق و منافع کارگران و دهقانان روسی را به قیمت مناسب می فروشد. درست همانطور که در بازار اتفاق می افتد، خریدار - بورژوازی و فروشنده - تزار، هنگام چانه زنی با هم دست می دهند، برای صدمین بار فریاد می زنند که این «کلام آخر» شان است، قسم می خورند که دارند «پول از دست می دهند»، تهدید می کنند که منصرف خواهند شد، اما نمی توانند خود را قانع نمایند که دوستی نزدیکشان را به هم زنند. «یکی از برجسته ترین اعضاء کنفرانس [زمستوو]» به آقای م. لروکس گفت که اگر تزار مطالبات ما را برآورده نکند، «ما به مردم متوسل خواهیم شد».

خبرنگار فرانسوی از خودش و خوانندگان مطلبش می پرسد که از این تکرار کثیر الوقوع «توسل جستن به مردم» باید چه استنباط کرد؟ و پاسخ می دهد: اینجا فابورگ سن آنتوین (محله کارگری در پاریس؛ مراجعه نمایید به مقاله موجود در وپریود شماره ۱۲<sup>[۱]</sup>) نیست. مردم ترغیب می شوند که از خیابان پرهیز کنند و در خانه‌ها بمانند، که به شیوه تولستویی از طریق امتناع از پرداخت مالیات اعتراض کنند! ...

به مردم تهمت نزنید ای خائنین بورژوا به آزادی! هیچ تهمتی هرگز لکه بزدلی شرم آورتان را پاک نخواهد کرد. مردم در سراسر روسیه خونشان را می فشانند. فابورگ سن آنتوین های ما در تعدادی از شهرها و روستاهای بی شماری ظاهر می شوند. مردم مبارزه بسیار سختی را به پیش می برند. اگر شما واقعاً می خواستید که «به مردم متوسل شوید» (و نه فقط هم پیمان تان تزار را با تهدید به این کار بترسانید)، نمی بایستی صدها و هزاران روبل به محافل سخنوری تان، بلکه بایستی میلیونها به قیام مسلحانه اختصاص می دادید. بایستی هیئت نمایندگی ای انتخاب

می نمودید تا با احزاب انقلابی، با مردم انقلابی ارتباط برقرار کند، نه اینکه مجبور به انتظار در تالارهای تزار شود.

تزار و دار و دسته‌اش به خوبی می دانند که شما قادر به انجام این کار نیستید زیرا نگران کیسه‌های پول تان هستید، زیرا از مردم می ترسید. از این رو تزار کاملاً حق دارد که با شما مثل آدمهای چاپلوس رفتار کند؛ که همان وعده‌های قدیمی، همان قانون اساسی بولیگین قدیمی را تحویل شما دهد؛ که فرض را بر این گذارد که شما جرأت حتی یک اعتراض واقعی محکم، یک اعتراض بر علیه سوپ بولیگین را ندارید. جای تعجب ندارد که خبرنگار Journal de Geneve، یک روزنامه لیبرال «محترم»، اخیراً نوشت: «لیبرالها نقایص [!] برنامه بولیگین را از خود پنهان نمی کنند، اما آنها گمان می کنند بخاطر مصلحت نظم و پیشرفت باید پذیرفته شود ... رد برنامه دولت به معنی نابود کردن عمدی آخرین امید برای حصول نتیجه مسالمت آمیز از ستیز کنونی بین مردم و رژیم بوروکراتیک است.» (خود خبرنگار بر روی جمله آخر تأکید کرده است).

بورژوازی خواهان صلح با تزار است و از جنگ مردم علیه تزار می هراسد. تزار خواهان صلح با بورژوازی است، ولی از جنگ با مردم، که آنرا آغاز کرده و بی رحمانه ادامه می دهد، نمی هراسد. آیا واضح نیست که اگر مردم در کسب پیروزی با وجود خیانت بورژوازی موفق نشوند، نتیجه غیرقابل اجتناب این وضع قانون اساسی بولیگین خواهد بود؟

پرولتاری شماره ۷

۱۰ ژوئیه (۲۷ ژوئن) ۱۹۰۵

طبق متن پرولتاری منتشر شده

مجموعه آثار لنین، جلد ۸

## توضیحات

۱- اشاره است به مقاله آ.و. لوناچارسکی با عنوان «خلاصه تاریخ مبارزه انقلابی پرولتاریای اروپایی»، منتشره در وپریود شماره ۲، ۱۴ (۱) ژانویه ۱۹۰۵.